

حکایتی از بذل و بخشش نادر شاه

۲۵ خرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۴:۰۷

زمانی که نادر شاه برای تسخیر هندوستان عزم سفر کرده بود در راه کودکی را می بیند و از او می پرسد:

پسر جان چه می خوانی؟

پسرک پاسخ می دهد: قرآن

جوان و تاریخ- کشکول



در برخی از اقوال نقل شده است:

زمانی که نادر شاه برای تسخیر هندوستان عزم سفر کرده بود در راه کودکی را می بیند و از او می پرسد:

پسر جان چه می خوانی؟

پسرک پاسخ می دهد: قرآن

نادر می پرسد: از کجای قرآن؟

پسرک در جواب می گوید: انا فتحنا....

نادر از پاسخ او بسیار خرسند شد و از شنیدن آیه فتح فال پیروزی زد

نادر یک سکه زر به پسرک داد اما پسرک از گرفتن آن ابا کرد

نادر پرسید: چرا نمی گیری؟

پسرک گفت: مادرم مرا می زند می گوید تو این پول را دزدیده ای

نادر گفت: به او بگو نادر داده است

پسرک گفت: مادرم باور نمی کند

می گوید: نادر مردی سخی است او اگر به تو پول می داد یک سکه نمی داد. زیاد می داد.

حرف او بر دل نادر نشست. یک مشت پول زر در دامن او ریخت.

از قضا چنانچه مشهور تاریخ است در آن سفر نادر شاه بر حریف خویش محمد شاه گورکانی پیروز شد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/19897/شاه-نادر-بخشش-بذات-حکایت>